



میهن

نشریه روزانه انقلاب و پیشرفت افغانستان



کنار رود آمو لاله ریز است
مگر بر بصران زاله ریز است
زین داد مگر روزگار
سزای خراسان ناله ریز است
خراسانی

حمله و شور ۱۳۲۰ ش / رمضان المبارک و شوال المکرم ۱۴۱۱ ق / اپریل و می ۱۹۹۱ م ، سال چهارم ، شماره (۲۷ - ۲۸)

اعلامیه مشترک سازمان حرمگشان افغانستان و سازمان انقلابی حرمگشان افغانستان در رابطه با اعلامیه سرمنشی سازمان ملل متحد پیرامون حل سیاسی مسأله افغانستان

در شرایطی که جنه خانانوسوز کشور ما ابعاد تازه تری کسب میکند اعلامیه پنج فقره بی جلالیت ما پ هاور پوزد یکویار سرمنشی سازمان ملل متحد پیرامون حل سیاسی مسأله افغانستان که به تاریخ ۲۱ می ۱۹۹۱ انتشار یافت گام ارزشمندی در راستای حل قضیه کشور محسوب میگردد.

سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان و سازمان زحمتکشان افغانستان که منحصراً نیروهای مستقل سیاسی در کشور مجذبه به خاطر قطع جنگ و تأمین صلح هارزه میکنند اعلامیه اخیر سرمنشی ملل متحد را اقدام مؤثری در رسن عرصه ارزیابی نموده و از آن استقبال میکنند.

ما باور کامل داریم که حل مسأله افغانستان جز از طریق دیالوگ و فاصله و توافق میان کلیه نیروهای سیاسی و در کبر میهن محبوب ما میسر شده نمیتواند از پیرو پیوسته به خاطر ایجاد همسویی و تقاض میان نیروهای سیاسی احزاب و سازمان ها، قوماندانان داخلی و حلقهات ملی معتقد است که مصالح

کشور را بالاتر از منافع گروهی خودی می پندارند دست همکاری و تساند دراز کرده ایم. ما معتقدیم که میکانیزمی میتواند در این گزار را پیروز مندانه فرجام بخشد که تضمینات بین المللی و اشتراک مساعی تمام نیروهای سیاسی

و جوانب دید خل را در خود داشته باشد تا بتواند با قطع مخاصصت آتشی و جنگی زمینه های تدوین انتخابات همگانی سری و مستقیم را به مردم زنجیده و زجر کشیده کشور ما مهیا سازد.

ص (۲)

جشن نوروز از بزرگترین جشن های است که در نخستین روز فروردین ماه آغاز میگردد. این روز خجسته و مبارک تاریخ طولانی دارد از گذشته های بعید تا کنون جلال و شکوه در پیشش را از دست نداده است. اکثر ملل این روز را مقدس شمرده به

آفتاب به نقطه اول حمل است و رسیدن آن به نقطه اول بهار است. گویند خدای تعالی در این روز عالم را آفرید و آدهارا نیز خلق کرد. نوروز خاصه (خرداد) است و آن روز ششم فروردین ماه است گویند در این روز هم جمشید بر تخت

جشن نوروز و پیشینه آن در فرهنگ ما

فال نیک گرفته میهنه مناسبت آن جشن های با شکوه برپا میکنند. ویژه کی خاص این روز اینست که با فرا رسیدن رستا خیز طبیعت آغاز میشود (بهار) میبرد و با قدش زمین و زمان را دلپذیر میسازد. در زمينه اینکه نوروز از چه نامی و در کدام زمان پدید آمده است نظریات مورخین متفاوت است و آنرا مناسبت های خاص است. در فرهنگ برهان قاطع چنین آمده است: (نوروز به معنی روز نو و آن دو باشد یکی طافه و دیگر خاصه. نوروز طافه روز فروردین ماه است که آمدن

نشسته خاصان را طلبید و رسم های نیکو گذاشت و گشت خدای تعالی شما را خلق کرده است. باید که به آبهای پاکیزه تن بشویید و بر سجد و شکر او مشغول شوید و هر سال بدین دستور عمل کنید و این روز را بنا بر آن نوروز خاصه خوانند. دفتر فرهنگ در هندا مناسبت این روز به ایرانیان باستان داده شده که همواره بعد از عزا و ماتم ایواتشان آنرا جشن میگرفتند و ذکر آن چنین است: ((ایرانیان باستان جشن

ص (۴)

رنج بردن

پافشردن

درزه یک آرزو

مردانه مردن!



روز بیستم حمل سال ۱۳۲۰ خیر مرگ نابه هنگام پنجبر سید عبد الباری معدنچی را شنیدیم. چه خیر اندوه ناکی و چه حادثه الهی! روزگار شهید بدخی این نام نستو شمسر دری گفته بود: دردا که در این زمانه غیبرورر حیفاکه در این یادیه عمر نور د هر روز فراق دوستی باید دید هر لحظه وداع دیگری باید کرد و با در فراق دوست و همزرم شریف خود گریستیم و ماتم عظیم او را چون گران باری بر دوش کشیدیم و جز تحمل و شکیبایی در این مصیبت بزرگ چاره دیگری نیافتیم. مرگ به هر شکل و به هر بهانه در پهنه را میکشد و زنده گی انسانها را میبلعد اما ابهت و یا ذلت مرگ وابسته به کسیست که به سراغش

ص (۲)

متن مصاحبه دوگتور سید مخدوم پین منشی عمومی نهضت ملی اسلامی افغانستان

سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان بهتنی بر اصول مرا می خویش همواره در ایجاد یک جنبه متحد ملی متشکل از همه نیروها ، سازمانها ، احزاب و افراد ملی و غیر وابسته ، سعی همه جانبه داشته است. نشرات ماهنامه میهن ، پیام ها و تراخوانهای س ۱۰ ، ۱۰ و ۱۰ از طریق رسانه های گروهی گواه این ادعاست. از اینرو همه کوشش و کوشی را که جهت نیل به این هدف صورت می گیرد صمیمانه استقبال می نماید. خوشبختانه در این اواخر در نشریه را به نام های (مراضاه نهضت ملی اسلامی افغانستان) و (صاحبه با دکتر سید مخدوم رهین منشی عمومی نهضت ملی اسلامی افغانستان) بدست آوردیم که در هر دو ، وجوه اشتراک و همسویی های را دریافته ایم. به آرزوی استحکام و تقویت هر چه بیشتر این روند در راستای ایجاد جنبه مورد نظر و نیز یکی همه نیروهای ملی و اسلامی افغانستان جهت نیل به صلح و آشنایی بیشتر به این نهضت و در یافت آرای منشی عمومی آن جناب دکتر استاد سید مخدوم رهین که به سخن نویسنده می میراث جهاد در خون دارد ، متن مصاحبه را بدون دخل و تصرف: به چاپ میرسانیم.

ص (۳)

غیر قانونی سخاروف

د ۱۹۹۰ کال د دسمبر ۱۴ په نیټه د میهنی یو کال بشپړ شو اندر ی سخاروف سرایستلی د زوی پوه و او خینی و ختو به یی د (سکونیز) شوروی اوه نیزی سره قلمی همکاری کوله. د سکو اخبل رسره نوموړی پوه اړیکی بی ستوخونه وی. په هغه وخت کله چی سخاروف د تو لو و لو سانسورونه په ضد ولاړو ، د سکو اخبار لایوه مستقله خپرونه نه وه. نوموړی اخبار د دی اړیکو خرنکوالی راپه یاد وی.

ص (۲)

نتیجه جنگی را فقط در پایان جنگ میتوان تعیین کرد؛ زیرا یک حادثه کوچک و پیشبینی نشده، ممکن سرانجام جنگ بزرگی را تغییر دهد.

رنج بردن

پافشردن

از ص (۱)

آنده است. گاهی حماسه آفرینان
مرگ را شکوه و جلال می بخشند
وزمانی دانشندان و بخردان ،
مرگ را پیراوزه میسازند و بالا تر
از اینان آنگاه هیولای مرگ فخیم
و با هیبت جلوه گر میشود که انسان
را به معنی تمام کلمه در خود فرو
برد که مرگ سید عبد الباری معدنچی
با صیبت و اندوه بزرگ که در قبال
از همین گونه بود زیرا معدنچی
بالا تر از آنکه یک انجنیریک تحصیل
کرده و یک کارمند با دانش و مسلکی
دولتی بوده باشد یک انسان بود
انسانی که همه خوبی ها و همه
ارزشهای آدمی را که فرهنگ پر بار
ما آنرا ستود موارج نهاد مو دواوین
شعرا ما مشحون از بخشندی هر
جسته سازبان معایر و ارزشها ست
در وجود او نهی یافته ساخته
شده بود کما زان شخصیت والا و
گرافندی به نام سید عبد الباری
معدنچی عرض وجود کرده بود .

تواضع و فروتنی ، و سخاوت
پاسداری ، استواری و مقاومت ،
تقوی و پاکبختی ، انساندوستی
و صمیمیت ، صداقت و یک طینتی
همه و همکاران گوهرها بیست که
اگر انگشتر علم و دانش را آنها ترصیع
یابد ، بهایش جز نام بزرگ (انسان)
هستند آنگاه زینخواهد بود . و سها -
دتی بالاتر از این به شخص -
خانواده و دوستان نخواهد بود ،
که او را به همین گونه و چنین نام
و نشان والا بشناسند و خوشبختانه
همه کسانی که انجنیر معدنچی را
می شناسند به این صفات انسان -
او مشرند .

انجنیر سید عبد الباری معدنچی
در سال ۱۳۱۵ خورشید بد رولسوالی
فرخارولایت تخارچشم بد نیا گشود .
پدرش قاضی سید عبد الله از علوم
متداوله زمان بهره داشته و مدتی
باصداقت و تقوی به کار مزارقضاء
اشتغال داشت ولی در اواخر عمر
به مرضی صعب العلاجی صاب
گردید که مانع ادامکار رسمی او گردید
و آنچه هزینه از زنده گی داشت
به تداری خود و اعاشه خانواده
فقیر به صرف رسانید .

معدنچی - هنوز ششمین
خزان زنده گی خود را تمام نکرده بود
که پدرش فوت نمود ، بعد از آن هر
روز سایه شوم فقر و بیچاره گی
زنده گی خانواده او را تاریکتر
می ساخت ، با آنهم رهسپار مکتب
گردید و دوره ابتدایی را
موفقانه با تمام رسانید و

اعلامیه مشترک

از ص (۱)

باید اذعان نمود که نقش سازمان
طل متحد و بخصوص تلاش های انسانا
جلالت ما ب ها و پرزید د نیکو یار سر -
منشی آن سازمان و محترم بنین -
سیون نماینده خاص شان در بر آورد

ما مول فقی برجسته بوده و در جمع
دستیابی به یک میکانیزم قابل قبول
که هواست اکثریت مردم افغانستان
در آن ضمیر باشد اظهار آسادی
می نمایم .

غیر قانونی سخاروف

از ص (۱)

به همدی پراوکی و جی و موز برتسمین
سانسور کوونکو په یوژل پیل و کسیر
((تخمگ دی موچین شول چیسی
سخاروف وای : چاهه پاکه کړی چی
کلاوس فوشس د اتوم بمب نقشی موزته
غلا کړی دی ؟ د اتیل دلود میاشته
زیر مطبوعاتو اختراع ده . د اپارا -
گراف واسه (خذف کړه) . که نه
نوصاحبه به د چاپ له پاره
لاسلک نه شی .
بالاخره دوی دغه وصاحبه
لاس لیکنکړه . خو دوی د اجرات
هم نه لرلو چی نوموړی مسئله پتیه
بساتی . حقیقت داد چی صبا ته
هغه وخت چی داسله خرگنده
سره ، موز ، په ستارو یا پلوش چادکی
باقع د شوروی اتحاد د کمیست
گوند له خوا سرزنش شوو ، خود اکومه
نوی خیرنومه ، تخمگ دی خیرنوسی
شورا ووز پرته کړی .

په پرله پسو توگه خپل شوی
اوله وپاره پک ((سکون سوز))
سلاسی تصیم و نیوچی ، په واغنگن
کی د کورباچوف ریگن له ستړی غونډی
پخوا ، د لوستونکو د نظریو پوښپس
صفحه ، چی البته د اندرې سخاروف
نظری هم ورکی شاملی وی ، چاپ کړی .
دغه پوه (سخاروف) په آماده
پول موافقه وکړه چی زموږ پورته کسکی
راگوشی ، تخمگ نوموړی ، کورباچوف
ته یخنی توصی لرلی .
هندا چی داتمن می ولوست .

خپل جرات می پالود . د شوروی
اتحاد په مطبوعاتو کی ، عمومی منشی
ته ، هیخ وخت ، هیخ چاداسی
خبری نه وی کړی . داتمن یو داسی
لیکو چی خپل همپا په (دلیکوال
سره د ساوی موقف خاوند) ته لیکل
شویو . سخاروف ده ته توصیه کړی
وچی داس پی . آی . پلان خخه
پام واری ، او تینگار دینکوی چی
د اپلان دی پرینودل شی . سخاروف
تاکید کړی چی ټول سیاسی بند بیان
دی آزاد کړی شی ، له افغانستان
خخه د شوروی موکونه وایستل شی ،
اردو ، په اردو کی د خدمت دوره ،
او هند ا راز د شوروی وسلو شمیر دی
نیما یی کړی شی .

البته دغه درې صفحا ی لیک ،
یو عادی پیام نه و . د داسولی په کتبه
په خورا تا ، مل جوړ شوی پروگرام چی
ترهغی وخته پورې موجود د کاتیک
ذهنونه ، د هغی سره ، بشپړکی
موافقی ته تیار نه وو .

سبا سهار ، زه اوزما مسول مدیر
د پریس ایجنسی رئیس والنتین فالین
چی زموږ د چاپ مسول و ، په اتناق
کی وو . دی د تل پشان ترپوړو .
نوموړی د هغه مسولیت په هکله چی
په غاړه به یی شی ، پرینمونه هیده ،
په هغه وخت کی داساده موضوع نه
وه چی سړی د سخاروف د نظریاتو
د خپرولو جرات وکړی .
د فالین لومړی مرستیال

د ((ایوانکیاد)) په نامه د ولاد پیر
وایوویچ په اثرکی یو کتر ، بی له
انتظاره ، ناخپه اتناق ته رانستو
په چوکی کتبه ناست او د سخاروف
د پیام لومړنی پاتی یی وپورته کړی .
((اهورا)) ده په خوشالی ایر .

کله چی زما مسول مدیر ، د
دفتر د تلفون له لاری راخخه
پورته کړی چی غمی ته بیسی
ورشم . زه د ناخوښوونکی مطلب
د اړوند لوله پاره چمتوشوم .

له خپل دفتر خخه وو .
د دند یپه توگه ، زه باید د اندرې
سخاروف سره ، د ((ریسک)) په
نامه تلویزیونی فلم ، چی د سړی
جگړی په هکله و ، صاحبه وکړم .
هغه وخت د ۱۹۸۷ کال د اکتوبر
میاشت و . ما په بیره د دی پوه د
تلفون د نمرې موندلو په هکله د مرستی
غونډته وکسره ، نوز باسول ول مدیر
وویل : ((مکتبه د تاپه خای هغه
سره زه صاحبه وکړم)) ما یوه نا
امید کوونکی کړی هلی غلی وکړی ، ان
د یوسفارند مطبوعاتی آتشی سره می
هم تلفونی تماس تینگ کړ ، چاچی ماته
نظر را کړ چی زما پد کی ، چی بی .
ته د اندرې سخاروف د تلفون نمر
د موند لوله پاره ، تلفون وکسرم .
له خان سره می وویل ((دا
آسانکار نندی)) .

د نوموړی اداری موظف نفرو ویل
((ایاتماوس پرستوریکا نظری ؟))
هوکی کورباچوف لایه خواد سخاروف
سره ، چی په کورکی نوی سیمکی و ،
تلفونی خبری کړی وی اودی پرته بی
ویلی و . اچله ده چی سکون تغییر کوشی
و پوه ((دسی د زره)) په نامه
د سکو د خواتانو د تیاتر د محصول
په وړاندی ، په تیاتر نوی خپرونکی
خپل عکس العمل لایه خواد خپور کړی و .
له دی سوه سره ، داسی خکله پله چی
د سخاروف سره سراوکار لرل لاترهغه
وخته پورې ضعیف و .

چی په د اگه او زغره بی ووا یس
په پورخلکو تپا یه پوری هنداسی فکر
کولو . بالاخره می د هغه د تلفون نمر
وموند . سخاروف تراوسه پوری (ریسک)
نومی فلم نندی لیدلی ، خود موافقه
و کړی چی ، که بی خوښه وشوه ، نوبه په
دی فلم بحث وکړی .

مانظرو وکړم : ((موز کولای شو دغه
فلم تاسی ته په ننداره کړو ، یقینا
تاسی په کورکی وید پورې)) .
((نه ، موز وید پونه لرو))
که تخمگ د نوموړی ټولی لیکنی مالرلی
خخه غمگه پاکه کړی چی د نوموړی پوه په
هکله زما معلومات خومره کم وو .
لکه چی یخنی نورو خلکو هم داسی تصور
لرلو . د سخاروف د انسانوی شته
من توب په هکله رسمی خوری شوی
فایلوالو زه هم تیر ایستلی وم .

ده فلم خوښ کړ ، او صاحبه
په لاس ، زه و خوشیدم . پدی صاحبه
کی تقریبا هریار اگراف ، صححان
اریانول ، د پینو تمبیرونو ، چی
سخاروف بیانول . هیخ پوهم رسمی
تمبرونو سره مطابقت نه لرلو . د شوروی
اتحاد پهضا کی د امریکی د جاسوسی
یو ټوله الکتود راغورخولو موضوع
د مثال په توگه راوړو . سخاروف
عقیده لمرل چی په لسگونو جاسوسی
الوتوکو ، له نوموړی پینو خخه
لاپخوا د شوروی پهضا الوتی کړی دی .

موز ټولو په مشن کار وکړ ، نتیجه
دا شو چی د پریطلب ، حتی هغه
تکی چی پری واره هلکان نن غنیز یی
له دی صاحبی خخه حذف شول .
په هغی ، د کارابین د بحر ان په
هکله د چین نقش په پارس کی
د خلوروستر و قد زتونو نیگری کنفرانس
اود ونور هم تکی ، شامل کړل شول .
له هغی وروسته ، د صاحبه ، د خپرولو
(چاپ) مسولانو تمواستول شوه .

یانیا خرگنده کړه . د اپیام بعد خه
تصحیح سره مخامخ شی))
دده لاس چی پسهاده کی بیسی
د نورو خلکو لیکنی تصحیح کولی ،
د سخاروف په لیک د کار کولوله پاره
په ریزید وشو .

موز داسی توقع نه لرله ، خو
رئیس وروچی پورته کړی او په تپ غنیز
بی وویل : ((له غنیزو کالو تبعید
وروسته داسړی (سخاروف) د دی
مستحق دی چی لیکنی بی سانسور
نمشی))

ده بیاماتمخ راوړولو او په
قهری وویل ((دغه اکادمیسین
د سیاسی بند پاتو داشمیر ، له کومه
نخایه ترلاسه کړی دی ؟ زموږ د اکتکل
سوه سم ، داشمیرد نوموړی تمداد
نیما یی دی .

زما اید پتو وماته وویل : ((داچک
کړه)) (کرکتهم پریکړه) ، اوسری
پدی علامت وینور او چی داکار باید زه
د پد پرض په اتناق کی وکړم .
زما تلفون ته پخپله سخاروف
خواب را کړ ، ما وویل چی د سیاسی
بند پاتو په هکله د دی اود تاسی
شمیر تویر لری ، کیدلای شی چی تاسی
په هغی بیانکته وکړی .

سخاروف وویل : ((داکاره هندا
اوس وکړم . اجازه را کسره خپل یاد -
داشت راواخلم)) په تلفون کی پوهیدل
چی سخاروف په پلنما وکتبه بوخت دی
او بیایی لیوسکلا (ده خپله پنخه
پلینا بوخه د دی نامه بلله) تمیز وکړ .
(پوهیزی چی زموږ یاد داشت
اود سیاسی زندانیان کتبه چیرته وی ؟)
دقیقا یوه دقیقه وروسته می اړیدل
چی دی ، د تلفون د غوزی خخه
لیری خه وایی ، بیانومی په تلفون
کی خیر اړیدل چی سخاروف وویل
: ((نه ، نه ، دغه شمیر تیک دی .

که غواړی ، زه کولای شم د دغه -
کسانو نومونه په انفرادی توگه د رکړم))
زه د فالین دفتر ته راستون شوم
او د طوطی په خیرمی هغه خه چی
اړیدل دی ، بیان کړل : ((دغه شمیر
تیک دی ، هغه ، د اتیل نوم نظری))
رئیس وویل ((درسته ده)) او

زه پوه شوم چی زموږ خبری پای ته
ورسیدی . په راتلونکو ورځو کی ، د سا -
نسور د ایجنسی مسوط ، د ((سکو
نیوز)) استازی ، زه یوازی زینوم .
په دی سگ چی د نوموړی صاحبی
چاپ یانچاپ ترهغی وخت وروسته
د سانسور ایجنسی مسولیت نه دی .
د تل په شان ، په وروستنیو
کی پرکړه وشوه . زموږ خخه یوازی د ا
هیله وشو چی سخاروف ترغیب کړی
چی په دی موافقه وکړی چی د عسکری
خدمت نیما یی کول ، د پریزیات خدی
سخاروف موافقه وکړه چی کیدای شی دا
خدمت ۱۸ میاشتی شی ، او زیاته
بی کړی اوس هغه وخت را رسیدی
چی د سلکی ارد و جوړولو ته مخه وکړو .
د ۱۹۸۸ کال د ماچ په میاشت
کی ، اندرې سخاروف موز ته د ((سکو
نیوز)) دفتر ته تلفون وکړ . وی وویل
چی ده میخانلی کورباچوف ته یو لیک
لیکنی دی او غوښتل یی چی یوه زبراکس
کابین تری واخی .

متن مصاحبه دوکتور سید محمد مبین مشی عمومی نهضت ملی اسلامی افغانستان

از م (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

سوال: مطالبی درباره سابقه نهضت ملی اسلامی افغانستان میفرمایید. جواب: نهضت ملی اسلامی افغانستان بوسیله تعدادی از شخصیت های جهاد اعم از علماء دین کارندان دفاتر جهاد، روشنفکران و اهل سنکرده رسال ۱۳۶۲ تأسیس گردید. علت تأسیس آن تا امید، پرا- دران از نحوه کار تنظیم های موجود بود. البته موانع فراوانی در راه عملی کردن نهضت وجود داشت. معذرت نهضت را مخو- راد میان مردم گشود و عنوان شیوه تفکر مبارزاتی پرا، حال و آینده کشور مورد توجه قرار گرفت. مرانما به نهضت از همان آغاز نه تنها مشکلات و مسایلی جهاد را در نظر دارد بلکه با ساختن افغانستان فرد انیز طرح قابل اجرا بود- مندی که سایر گروه ها سیاسی فاقد آن اند، عرضه می دارد. این اصول کبیری احساسات چارگانه اسلام، وطن، همبستگی ملی و عدالت اجتماعی استوار است در واقع پرا همه مسایلی حاد جامعه پاستخ ها و راه حل هائی ارائه کرده است.

اسلام: دین مبین اسلام با یک هزار و چهارصد سال سابقه، ریشه دارترین علقی، معنوی و آسانی با جامعه ما دارد. به نحوی که در همه شئون ملت مسلمان ما اثر مستقیم داشته است. اسلام آئین رستگاری بخش در هر دو جهان است. روحیه و فاهیم عالی اسلامی در همه ادوار و زمانه ها با هر نوع تعالی و تکامل جامع انسانی سازگار بوده است. اسلام از سر آغاز بعثت نبوی تا کنون سرچشمه راهیابی به حقیقت و دست یافتن به سعادت داترین است. شریعت اسلام، یا انسانی ترین معیارها، عدل و داد، مجهز است. جامعه ما با مذهب اسلامی پیوند ناگسستنی دارد. در دوره اسلامی کشور ما مهد شکوه تمدن و فرهنگ اسلامی بود. سرزمین ما جایگاه تعداد زیاد، از مفسرین، محدثین، فقها، عرفا و فلاسفه اسلامی بوده است. عرفان اسلامی به عنوان پدید آمده نیرومند معنوی در دل و جان مانفوذ کرده است. این پدیده نیرومند معنوی، به عنوان یکی از زیباترین تجلیات معارف اسلامی راهگشای ملت ما به سوی خیر و روشنائی بود ما است.

ما معتقدیم که روحیه و فاهیم والا اسلامی باید در تمام شئون حیات الهام بخش ما باشد.

کشور کوهستانی، در قلب آسیا در دوره های پیش از اسلام به نام آریانا، در دوره بعد از اسلام بنام خراسان و در دوران معاصر بنام افغانستان یاد شده است. این کشور از صد ها و هزاران سال قبل سرزمین و محل زندگی مشترک اقوام بود ما است. در آن

نهضت ملی اسلامی افغانستان یکی از رگ های اساسی مقاومت علیه احجاف و بیداد و وابسته گئی سرزمین ماست و آنگونه که کار رفت، جناب دوکتور سید محمد مبین به مثابه نام بلند و آشنای قلمرو فرهنگ و حلقه های روشنگری و روشنفکری کشور، ریاست این نهضت را که در دهه اخیر در فشرده مبارزه و صالحه را با شعار: اسلام، وطن، همبستگی ملی و عدالت اجتماعی؛ با استفاده از نیروی لایزال آگاه و فرهنگ کهن سال ما به طور احسن برافراشته است؛ بر عهده دارند.

دکتر رهین پیش از دهه جنگ سوا، وظیفه استادی در دانشگاه کابل در پست های مهم نهاد های تحقیقی، تقنینی، فرهنگی، اداری و... کشور ایفاء وظیفه نموده و تدبیر و هوشمندی خویش را تجلیل نموده است. پس از رویداد ثور سال ۱۳۵۷ و پیامد های خویشتن و ننگین آن، استاد رهین با آن روح وقاد و شجاعت و قاری که داشت نتوانست بار سهمگین تهدید و تحقیر و اهانت را بر دوش کشد پس از مدتی خانه نشینی راه مهاجرت را در پیش گرفت.

دکتر رهین چندی به حیث رئیس انجمن فرهنگی و مطبوعاتی اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان ایفاء وظیفه نمود و در سال ۱۳۶۲ از طریق شورای عالی نهضت ملی اسلامی افغانستان به حیث منشی عمومی انتخاب شد. پس از تلاش شدن اتحاد در سمیت مشاور صفت الله مجددی و ریاست علوم اجتماعی وظایف جدید خود را آغاز کرد و بعد از آنکه شورای شورستی صفت الله مجددی را به حیث رئیس حکومت مو، قمت انتخاب کرد، همچنان مشاورش باقی ماند. اما پیوسته به رئیس حکومت مو، قمت مشوره میداد که از ریاست این حکومت پوشالی دست بردارد.

دکتر رهین که از هیجان آغاز با حکومت مو، قمت موافق نبود. قطع رابطه کرد و به قولی جهت تحقق بخشیدن آرمان ملت عرقه به خون افغانستان وارد کارزاری جدید گردید. آثار دوکتور رهین در زمینه های عرفانی، تاریخی، و ادبی از نگاهته هایست که در افغانستان بیشتر خواننده را دارا اند و هنوز دانشاها های ما مرون کارهای تحقیقی آن استاد است.

زنده گئی کرده اند و میکنند. وطن ما به علت موقعیت خاص جغرافیائی اش در دوره های مختلف بارها دستخوش هجوم جهانگشایان بیگانه قرار گرفته است. ولی در پیرایه به همت فرزندان پاکزاد خویش و ما را زاد، و استقلال از دست رفته را باز یافته است. ملت ما در سراسر و تاریخ با شهامت و جانبازی، از معتقدات دینی، تمامیت ارضی و افتخارات ملی خویش دفاع کرده و هرگز تسلیم دشمنان قوم، پنجه و شتره جوشده است.

مبین ما افغانستان آرامگاه نیکان ما زادگاه و خانه بیشترک ما و نسل های آینده ما است. ما به تمامیت ارضی افغانستان در محدوده سرحدات شناخته شده، بین المللی معتقدیم و همانطور که تمامیت ارضی وطن خود عقیده داریم به تمامیت ارضی همه کشورهای بخصوص کشورهای همسایه معتقدیم.

کشور ما افغانستان میهن مشترک همه اقوام برادر است که از صد ها و هزاران سال به اینسو درین کشور زیستماند و درغم و شادی همدیگر شریک بوده اند. این اقوام برادر برابری عیارت انداز:

پشتون - تاجیک - هزاره - ازبک - ترکمان

مجموعه اقوام برادر ساکن در افغانستان ملت افغانستان را تشکیل میدهد. سرزمین مشترک تاریخ مشترک و سرنوشت مشترک علائقی ناگسستنی میان این اقوام برادر برابری بوجود آورده است. مبارزه مشترک این اقوام برای حفظ تمامیت ارضی و آزاد کشور مشترک و همکاری انسان برای ایجاد فرهنگ مشترک ملی، رشته های ایتواری زبانه، میان انسان بوجود آورده است. ما معتقدیم که در راه همبستگی و تحکیم پیوند های

اقوام مختلفی که ملت افغانستان را تشکیل داده اند، باید هر چه بیشتر یکوشیم و درین راه بر اساس رشته های استوار برادری برابری و فحاهم و دوستی، با هر نوع تبعیض و امتیاز و تفرقه جوئی پییار نمائیم.

عدالت اجتماعی:

عدالت اجتماعی عنصر عمده و اساسی وحدت تملی در جامعه است. تفاهم دوستی و محبت که لازمه زندگی هر اجتماع واقعی است از عدالت اجتماعی در جامعه نشاء میگردد. در هر اجتماع که عدالت اجتماعی استقرار نیابد بی ثباتی و تشنج هیا و تفرقه های خاتمان برانداز بران اجتماع چیره میگردد. بسیاری از بحرانها در جوامع معلول عدم استقرار عدالت اجتماعی است.

عدالت اجتماعی منظور نظریه تعالیم گرامی اسلام است. خداوند در قرآن مجید میفرماید: (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا هم الکتب و المیزان ليقوم الناس بالقسط)

به تحقیق فرستادیم پیغمبران خویش را و نازل کردیم با آنان کتاب و ترازو تا مردمان با عدل و انصاف عمل کنند. عدالت اجتماعی دو بخش اساسی و عمده دارد:

عدالت اجتماعی در زمینه سیاسی و عدالت اجتماعی در زمینه اقتصادی. عدالت اجتماعی سیاسی بدون عدالت اجتماعی اقتصادی بی فایده می نرست. جامعه هنگامی میتواند در شاهراه اعتلای افتد که عدالت اجتماعی در هر دو زمینه سیاسی و اقتصادی تأمین گردد. در صورتیکه عدالت اجتماعی در اجتماع مستقر گردد نه تنها ناراضی ناشی از فقر و محرومیت اقتصادی و سیاسی و

استثنا از میان میروند بلکه عناصر نفاق افکن که میان طبقات جامعه تخم دشمنی و نزاع میکارند نیز از فعالیت های خصمانه باز میمانند. اعمال عدالت اجتماعی در زمینه سیاسی، تمیض و اختناق را در جامعه از میان می برد و حقوق مدنی، فردی و قومی افراد و اقوام و آزادی مطبوعات و مردم تالاری را تضمین میکند.

عدالت اجتماعی در زمینه های اقتصاد، امر تولید و توزیع را به طور صحیح هدایت میکند و وضع اطمینان بخشی در زمینه تا مین نیازند ده های زندگی برای همه افراد جامعه به بار می آورد.

سوال: نظر تان درباره حکومت فراقریه حکومت با قاعده و وسیع چیست؟

جواب: این تعبیر یعنی حکومت با قاعده و وسیع یا حکومت فراقریه را اول گویا از جانب افراد منسوب به سازمان ملل در مسئله افغانستان مطرح شد است. حکومت فراقریه در واقع نوعی حکومت انقلابی است. حکومت انقلابی حتی در شرایط صلح آن هم در اریا موفق نبوده است. تا چه زند بکشوری که گروه های متعدد در آن تا دندان مسلح اند. حکومت وقت مجاهدین با وجودی که مشکل از تنظیم هائی است که دستکم در ساختن این حکومت اتحاد نظر داشتند ولی حتی در همین حکومت فاقد احساس همکاری لانم میان همدیگرانه تازه ایمن حکومت خارج از وطن تشکیل شده و وظایف اکثر ارگان های ان هم کاری بداخل کشور و ضبط و ربط امورندارد خوب تصور بفرمائید که اگر حکومتی بنام فراقریه دارای قاعده و وسیع مشکل از گروه های مسلح ناسازگار در کابل تا سیس گردد. آیا هر روز وزارت خانه ای جواب نامه وارد وزارت خانه دیگری با ماشیند ارتقیله و توپ بیس لگد نخواهد داد؟ تصور، که می توان از حکومت فراقریه داشت با توجه

به سوابق گروه ها و تنظیم ها جز این نمی تواند باشد. آنانی که از حکومت با بنیاد وسیع صحبت می کنند مثلاً سفانه یا از شرایط ما آگاه نیستند و یا سالی را سطحی می گیرند. اما اگر قرار باشد شورائی مثلاً به شکل لوی جرگه یا امثال آن دایر شود، در آن صورت باید در چنین شورائی که بتواند ملت مسلمان افغانستان را تشکیل کند هیچ گروه مستحق محروم نماند. شوری باید فراقریه بنیاد وسیع باشد نه حکومت. حکومت با بنیاد وسیع در شرایط حاضر اگر تشکیل گردد نتایج آن جز خونریزی، عدم اعتماد، بی امنیتی، جنگ داخلی و عدم ثبات سیاسی چیزی نخواهد بود. ولی شورای مثل اراد ملت مسلمان افغانستان طبعاً ظرفیت پذیرش همه گروه ها را خواهد داشت.

سوال: آیا قطب های قدرت در جهاد افغانستان با این نظر موافق خواهند بود؟

جواب: قطب اصلی و منشاء عمده قدرت خود مردم هستند. سنگرهای گرم جهاد با تکیه بر مردم و وسیله آنان ساخته میماند. اکثر فرماندهان جهاد که آنان نیز از مردم اند و سایر مردم با هر نظر مثبت و اعتدالی موافق خواهند بود.

سوال: آیا به نظر شما قضیه افغانستان راه حل سیاسی دارد یا نظامی؟

جواب: قضیه افغانستان را فقط از راه سیاسی میتوان حل کرد. البته جهاد گرم را می توان پشتوا راه حل سیاسی قرار داد. جهاد گرم به معنی راکت اندازیمه شهرها و کشتن مردم بی گناه نیست.

این عمل ناچوانمردانه و خایانه از طرف هر کسی که باشد محکوم است. راکت اندازی به شهرها و قتل مردم زنجور و در بند ما جانی است که ملامت آن غیر قابل بخشایش اند.

سوال: به نظر شما چگونه می توان بین بست موجود در قضیه افغانستان را شکست؟

جواب: درین کار به واقع بینی نیازمندیم بهترین طریقه بکار بستن مبارزه در داخل کشور است. دلیلی برای ادامه مبارزه در بیرون افغانستان وجود ندارد. بگذارید آنانی که با غریت خو کرده اند سالهای دراز تا دل شان می خواهد در غربت بمانند، اما هر کس که دلش بیاد وطنش می طبد باید دنباله جهاد و مبارزه را در داخل کشور بگیرد همانطور که جهاد نظامی در داخل کشور صورت میگیرد باید جهاد سیاسی نیز در داخل صورت بگیرد. باید در جستجوی راه حل شرافتمندانه ای بود که همه اراده ملت مسلمان ما ختمی شود فرماندهان نامدار جهاد باید



فرهنگ

بهار زرد

شجاع خراسانی

که میگوید بهاران در رسید ای عشق ؟
که میگوید عروس روزگاران در رسید ای عشق ؟
که من از این بهار :

از این خزان به بهاران -

یک گل و

یک برگ شاد و

عاشق شوریده را

نادیده می آیم !

•••

که میگوید ... ؟

که میگوید که اینجا گل بود

برخیزه هایش ؟

خنده میزند ؟

که میگوید کجا شمع سوخت و

ستی ستانه :

میزند ؟

که میگوید که ما را ،

شادی یک لحظه :

میزند ؟

که من با کوله بار خسته های صد بهار گل

به شعر سوگ و

آه و

نالام

نالیده می آیم !

•••

که میگوید بهاران در رسید ای عشق ؟

که میگوید عروس روزگاران در رسید ای عشق ؟

کمن در هر طلوع این بهار زرد

کمن در هر غروب این خزان سرخ :

به جز پژ مردن و

افتیدن و

خفتن

به جز بشکستن و

خشکیدن و

مردن ؟

نمیبینم

نمیبینم !

فروردین ۱۳۶۹

بیدل ؟

چشم واکن رنگ اسرار دگر دارد بهار
آنچه در همت ننگد جلوه گر دارد بهار
کهکشان هم پایمال موج طوفان گل است
سپهره از خواب غفلت چند برسد ارد بهار

گرامیداشت از استاد ششمین سالروز تولد استاد خلیل خلیلی

داستانی عیاری از خراسان نوشته
استاد خلیلی را از یاد ببرند .
همینگونه شمارش از شاعران و
نویسنده گان درباره استاد اصماری
قالت های خویش را قرائت نمودند
و دین خویش را در برابر این روح
بزرگ به جا آوردند .

مخمل با همه خمیهایش
از خرابیها مهربان بود . ویکی از این
کاستی ها ، کمبود شمار زیادی از
محققان ، شاعران ، استادان و
مستولان جراید و رسانه های
گروهی بود که جایشان در مخمل خالی
به نظر می آمد و اگر خالی نبود با

همه حرمت به بزرگان فرهنگ
و شعر باید گفت که توسط کسانسی
پر شده بود که شاید به روان وزارت
اطلاعات و کلتور برابر بودند .

وزارت اطلاعات و کلتور رکسی از
حکومت ج . ا . است . باید به
صورت دقیقتری از فرهنگ و فرهنگی
افغانستان نمایندگی کی کنند
و علاقی شخصی را در همچو موارد
پشت پا بزنند .

به سخن شاعر :

در چشم پاکبین نمود رسم امتیاز
در افتاب سایه شاموگدا یکتا

از هفتاد و ششمین سالروز تولد
شاعر ، نویسنده ، محقق ، روزنامه
نویسنده و مجاهد نایب اردوین استاد
خلیل الله خلیلی از سوی وزارت
اطلاعات و کلتور اخیراً در تالار هو
تل آریانا تجلیل بعمل آمد .

مخمل خاتلات و ایاتی چند از
تزیل عزیز توسط استاد بزرگ الله
سلم آغاز یافت و بعد جلالتماب
عبد الحمید محتاط معاون رئیس
جمهور پهاش را بدین مناسبت
به خوانش گرفت و از فرهنگیان و
محققان طلبید که ایام کار و شخصیت
استاد خلیلی را به تحقیق بیشتر گردانند

متعاقباً محترم عبدالصمد سلم
معاون صدراعظم پیام جلالتماب
صدراعظم را قرائت نمود . محترم وزیر
اطلاعات و کلتور نیز بر امون شخصیت
شاعرانه استاد قائله بی داشت .
محترم استاد واصف باختری شاعر
و پژوهشگر توانای ما پیرامون شکردها
و شباهنهای کار استاد و اساتید
مکاتب عمری نهان وادبیات در ری
و تسلط استاد بر تمام قلمرو شعر در ری
سخنرانی شاعرانه و دقیق نمود .

همچنان استاد رهزورد زریاب رئیس
انجمن نویسندگان افغانستان
قائله عشق و طمس خویش را به
خوانش گرفت و سخنهای مشخصی را
در زمینه ارائه داد و گفت که فلم
سازان و سینماگران ما نباید تاریخ

گل گندم

دشتها آلوده است

در لجنزار گل لاله نخواهد روئید

در هوای غن آواز پرستو بچه کارت آید

نکر نان باید کرد

وهوایی که در آن

نفسی تازه کنیم

گل گندم خوب است

گل خوشی زیباست

ا ، دریشا که همه مزرعه دلها را

غلف هرزه کین پوشاند ماست

نیچکن فکر نکرد

ه در آبادی ویران شده دیر نان نیست

و همه مردم شهر

بانگ برداشته اند

نچرا سیمان نیست

و کسی فکر نکرد

که چرا ایمان نیست

و زمانی شد ماست

که به غیر از انسان

هیچ چیز ارزان نیست !

جشن نوروز و پیشینه آن در فرهنگ ما

از من د ا

جای دیگر آمده است که جشنی
که اول جم نام داشت و عریان او را
(بنو شاخ) می گویند سیر عالم
میکرد . چون به آنز با بجان رسید
فرمود تخت مرصع را بجای بیاوردی رو
بجانب مشرق گذارند . و خود تاج
مرصع را بر سر نهادند بر آن تخت
بنشست . همین که افتاب طلوع کرد
و بر توش بر آن تاج و تخت افتاد ،
شعاعی در غایت روشنی پدید آمد
مردمان از آن شادان شدند . گفتند
این روز نوروز است . و چون شمارا به
زبان پهلوی (شید) گویند این لفظ
را بر آن افزودند و او را جشنید
خواندند و جشن عظیم کردند و از آن
این رسم پدید آمد .
همچنان حکیم فرزانه (فردوسی)
در شاهنامه نوروز را به گونه دیگری
به جشنید میباید . او بر این است
که جشنید پسر طهمورث دیونند
و قتی بر سر پادشاهی جلوس میکند
به کردار پدربا بد کاران میستیزد ،
و رنگ کدورت را از دلها میزداید .
لازم گفت با فره ایستیزی
هم شعر یاری هم میباید
بدانرا زبند دست کوه کسم
روان را سوی روشنی ره کسم

داشتند بنام (فرورد یگان)
(فرورد یگان) که در پایان سال تجلیل
میشد . ظاهر آن واقع روزهای عزا و
مات پروده ۱۰۰ اهل سفند برای اموات
خود گریه میکردند و چهره ای خویش
را میخراشیدند و برای مردگان خود
خوردنی ها و آشامیدنی ها میگذارد
- ند و وظاها جشن نوروز که بعد
از آن (ماه فرورد یگان) می آمده -
و به بران که از اول سال محسوب می شد
روز شادی و نشاط بزرگان بود . برخی
ها مناسبت این روز را به دوران
کیومرث اولین ملوک عجم و عده بی
آنها به جشنید میسازند که هرکدام
را تفاوتیست .
در کتاب نوروز نامه منسوب به
عمر خیام ، مناسبت این روز به کیومرث
اولین ملوک عجم رسیده است .
((قصه آن چنانست که چون کیومرث
اول ملوک عجم به پادشاهی نشست ،
خواست که ایام سال و ماه را نام نهد
و تاریخ سازد ، تا مردمان آنها بداندند
بنگیزست که آنروز باید اد افتاب به
اول دقیقه حمل آمده میدان عجم
را گرد کرد و فرمود که تاریخ از اینجا
آغاز کنند . میدان جمع آمدند و
تاریخ نهادند .))

بر مناسبت هفتمین سال وفات استاد عبدالحی حبیبی

استاد عبدالحی حبیبی

مغلی به مناسبت هفتمین
سالگرد وفات استاد عبدالحی حبیبی
مورخ و نویسنده و شاعر و ژورنالیست
نامور کشور اخیراً از جانب شورای
فرهنگی دانشگاه کابل ترتیب یافت
در این مخمل محترم عبد الرحیم
هاتف ، عبد الحمید محتاط معاون
رئیس جمهور ، محترم محبوب الله
کوشانی ، و محترم معصومه حبیبی
وردک وزیر تعلیم و تربیه ، دانشکده
و اساتید دانشگاه کابل ، فرهیختگان
و شمار زیادی نگارنده گان میزبندگان
کشور اشتراک نموده بودند .
در آغاز پوهنوال دکتور طاهر
غایت رئیس دانشگاه کابل در رابطه
فعالیت های فرهنگی استاد
حبیبی در دانشگاه کابل صحبت نمود

سپس پیام دانشگاه قند هار توسط -
تور یالی و سا رئیس آن دانشگاه
قرائت گردید ، متعاقباً کاندید
آکاد مسین محمد ابراهیم عطا بی ،
کاندید آکاد مسین محمد صدیق روهی
پوهنمل خالق رشید غوثی خاوری ،
دکتور نور محمد بویخ سر محقق -
زلمی هیواد بسل نصرالله حافظ شمس
نویری یکی از شاعان پشتو بخوا و -
کاندید آکاد مسین یعقوب واحدی به
ترتیب مقالات خویش را پیرامون
شخصیت آثار و افکار و خدمات فرهنگی
استاد حبیبی به خوانش گرفتند و
نقش سازنده استاد را در چند دهه
اخیر کشور بسیار سود مند ارزیابی
کردند .

از هامون به گردن بلند میکند
و مانند خورشید تا بان میان هوا
می درخشند و لحظه فرود می آید ،
مردمان بر او گوهر می افشانند و آن
روز را نوروز می خوانند ، و آن چنین
است ؟

انگه که بر دیوان غالب میشود فرمان
نهدند تا گریه ها سازند ،
چواهر از معادله بیرون آورند
و الا ت جنگی چون خود زره
و جوشن پدید آورند ، قتی کارها
انجام میباید و از هنر بر خرد هیچ
چیز را - نمیبندند فر کینای یکی
تخت زین می سازند و در میان آنها

فرمانروای الموت (حسن صباح)

پس از آنکه فرمانروای الموت نیشابور و محضر درس دانشمند کیمی (امام موفق) را چون خواجه جزی که نظام الملک، منجم و متفکر و شاعر استخوانی فرهنگ مان (حکیم عمر خیام) و امیره ترک گفت به عزم دست یافتن به ایکا ن و تدبیر و فهم جهت نیل به آرزوی بزرگ رهائی ملت از چنگال بیگانه گان گوش به فرمان بیگانه اصفهان و ری و قاهره و ... در نوردید، که درین فاصله رنجهای جانکاهی را در دستگاه قدرت بزرگ سلاجقه (خواجه نظام الملک) خلافت عباسی و فرمانروای بیتاج تخت الاستصر بالله فاطمی (بد رجالی) متحمل شد.

همینکه از مرگهای محترم جان به سلامت آورد در بازگشت به اصفهان طی صحبت و دستاوردش با عمه الملک عطاش رهبر فرقه اسماعیلیه آن ولا که به رای نخستین بار بیعت این صباح را پذیرفته و شاهین سپیدش خوانده بود و چنین گفت:



(آه دست من اینچنین داشته باش که اگر خطبه خلافت به نام نزار خوانده شود با روایت که میان ما هست مرا وزیر اعظم و صاحب اختیار مملکت خود خواهد کرد و در آن حال به تحقیق بهتر می توانم از دشمنان انتقام بگیرم. اما این حسن که نزد تو نشسته آن حسن نیست که روزی به قصد پیدا کردن نان و عنوان به خدمت نظام الملک درآمد و با همان آرزو به تیره در پنجه نظام الملک زد. این حسن کسی است که شبانه روزی با یلغقرصان و با یک پیاله آب سر میکند چه همان شاکر است ۱۰۰۰۰ این حسن مایل نیست افسار قوم خود را از دست ترکان سلجوقی و خلفای عباسی بگیرد و به دست بیگانه ی دیگری چون خلیفه فاطمی بسپارد. حال آن که اگر نزار بر آریکوی خلافت تکیه زند برای ما چاره ای نخواهد ماند که به اطاعت از خلفای فاطمی و ایمن سر سپرده گی که خود تنگی است روی نشنگ رقیب عرب و ترک همچنان ادامه دهیم. ۱۰۰۰ این است که من دارم محکم کنیم.

حسن اوضاعتر بگو ۱۰۰۰ آیا تو خیال میکنی که مهارتی ما از حمایت خلفای فاطمی نیل است؟ آیا تصور میکنی بدون پیوستگی با هر ما قادریم علم طغیان بر ضد خلیفه بنهادیم و سلطان سلجوقی برداریم؟ حسن جواب داد: آری من به این امر معتقدم. خلافت فاطمی هر ستون پوسیده ای است و ما نمیتوانیم بر این ستون تکیه کنیم. ما مجبوریم حساب خود را با خلفای فاطمی هر جد آنکه من خوشوقتم که جویات این انشعاب خود به خود فراهم آمده است. جانبداری از نزار خواه تا خواه ما را در چنین راهی خواهد انداخت و آنگاه هیچ کس نخواهد توانست ما را به برپا داشتن نهضتی بر ضد امام متهم کند زیرا که نزار ما را هر حق ما خواهد بود. و به تو دوست من صریح بگویم که من ترجیح می دهم از این امام باطنیه فقط تصویر باقی بماند و ما در پناه تصویر امام و خلیفه ی وقت به دست خود مانویسای واری وار ادوی خود مان پایه های مهارتی را که در پیش دارم محکم کنیم.

ملاقات محترم صدر اعظم با ژورنالستان غیر رسمی یا مطبوعات آزاد

سندگان و مستظفان وزارتخانه ها و ریاست ها و اداره ها، کونکون اداره اس را دقالباب میکنند و مورد سوال و تهدید قرار میدهند، که این امر سبب میشود از باور مردم نسبت بسبب دموکراسی بکاهد. دانشمندی گفته بود:

محترم فضل الحق خالقیار صدر اعظم ۱۰ به تاریخ ۱۷ نورسال روان ستولان جراید آزاد و مطبوعات غیر دولتی را غرض ملاقات در قصر گلخانه صدارت به حضور یدیرفتند.

گاهی قانون به تاریکیوت میماند؛ پشه را به دام می اندازد و زنبور او را میگذارد. امیدوارم چنین نباشد و انطباق قانون جنبه عاید اشتیاق باشد. مسرم صدر اعظم که به صحبت هرگونه دقیقه گوش سپرد میبودند طی صحبت همه جانبه وانساند و متا خویش به ژورنالستان وعده دادند که حکومت آنگونه که راعا زکارش تعهد سپرده بود، سعی بر آن دارد که از مشکلات شما خادمان راه خویش بختی مردم بکاهد و دست هر نوع مزاحمتی را از گریبان نشریه های تان کوتاه سازد. زیرا در تمغیل چنین شیوه ها ست که حکومت به مثابه مدافع برحق قانون تسجیل می شود.

در آغاز محترم وزیر اطلاعات و کلتور پس از ابراز صحبت قد ماتی ژورنالستان را به حضور صدر اعظم معرفی نمود. سپس محترم محمد طاهر محسنی مدیر مسئول جریده یا حق طی صحبت امتنایه از نحوه برخورد و همکاری

حکومت با رسانه های گروهی غیر دولتی سیاستگزار می نمود. پیشنهاد استقلال را در زمینه رفع مشکلات مطبوعات غیر رسمی ابراز داشت. بعدا محترم غلام سخی غیرت مدیر مسئول جریده آزاد ی جهت نیل به مسایل مهم

مطبوعاتی و لزوم ایجاد یک مرکز ترجمه از لسان ها، خارجی به زبان های ملی پیشنهادی را ارائه داشت. متعاقبا محترم موسی اکرمی در زمینه دریافت کارت ژورنالستیک از طریق وزارت اطلاعات و کلتور تذکری بعمل آورد و چگونگی مشکل عدم موجودیت آن را به توضیح گرفت.

محترم صدر اعظم افزودند: این رسالت شماست که هر خاینی را در هر پست و مقامی که باشد در انظار مردم خوار و ذلیل گردانید. زیرا بزرگترین جزاء افتادنا نطرهاست. محترم صدر اعظم، ستولان نشریه ها را ترغیب نمودند که وحدت ملی، رشد دموکراسی و تعالی و تحکیم آزادی را به مثابه جز انفتاک ناپذیر رسالت خویش از یاد نبرند. مهاجرین را به وطن و تفنگداران را به صلح دعوت نمایند. محترم صدر اعظم در مورد تهیه دفاتر و ایجاد سهولتهای دیگر کارکنان جراید غیر دولتی به ستولان امر و هدایت های لازم اذ فرمودند. ملاقات در فضای تفاهم و صمیمیت فرجام یافت.

مطبوعات و لزوم ایجاد یک مرکز ترجمه از لسان ها، خارجی به زبان های ملی پیشنهادی را ارائه داشت. متعاقبا محترم موسی اکرمی در زمینه دریافت کارت ژورنالستیک از طریق وزارت اطلاعات و کلتور تذکری بعمل آورد و چگونگی مشکل عدم موجودیت آن را به توضیح گرفت. شجاع خراسانی ضمن گفتنی ها، اضافه کرد که: آنگونه که شنیدیم گیسو سپیدان ما هم در ها و مشکل ها، جمعی را ابراز داشتند اما گاهی یگان مشکل جنبه خصوصی دارد.

در شرایط دموکراسی و مطبوعات آزاد هر نشریه حسب راه و رسم نشراتی خویش طبق نورم های معیاری مطبوعات به کار خویش ادامه میدهد. ولی همینکه میهن یا شاید نشریه دیگر ضمون یا نامه وارد را که حقایق را در بر دارد به چاپ رساند، پسر

احتیاج به سنگرمطمن و مستحکمی داریم که مهارت خود را درون آن تمرکز دهیم. از همان چارهبری کنیم. من ناگزیرم در طلب این سنگرمطمن ()

ان شاهین سپید

شاید خواننده ی محترم به نقد و داوری بپردازد. زد که چنگ را با موعظه چکار؟ اول اینکه این موعظه نیست، دوم اینکه من با چنین داوری ها مخالفتی ندارم و اندیشه آزاد خود را با حضرت عریان میسازم که دیگر باین کلید رنگ زده هرگز نمیتوان ترجمه مشکلات مردم جان به لب رسیده را باز نمود. بگذار کلید های دیگر جستجو شوند و آدم ها، میزها و روان های خزان زده و زندانی ما از طلوع آفتاب صلح و صفا آزاد و بارور شوند.

به این تفصیل، من چاره ای ندارم جز آن که اختیار را به تو واگذارم و خودم نیز مثل سر بازی در کنار تو بایستم. حسن شستش را روی ششانه عبد الملک فشرد و سری تکان داد: نه دوست من عجلالتا آن سر بازی که باید در تکان پوی سنگری برای شروع به مبارزه بر خیزد، منم. قیما، از هر چیز ما

انسان بخودشناسی نزدیک میشود

این دین پیکر از ثبوت گذشته است که انسان به فلک بال میساید و از ناخدانی ترین هنده ها را با سر انکشتان سحر آفرینش باز مینماید و به تسخیر ماه و ستاره و کیهان دست و آستین بالا میزند. تادریک کلام کاینات را با همه داشته هایش زیر نگین داشته باشد. اما این پرنده ی نیمه وحشی کاز دره تا به صخره از موتا بکوه، از جسم تابجان و از زمین تا به آسمان را در قفسه ی ذهن خود میپوراند و از هر کدام خیری و اثری در دل و دماغ دارد، چرا نتوانسته است با هنوزان خود کار بباید و دستهای بلاچین خویش چنستان زندگی را از گزند مفلحان ها و زرد پیچک ها برهاند؟

این موجود ناشناخته و مرموز آتیه بلند پروازی اش اسیر نفس شیطانی و سرکش میشود، پرواز به سوی آج ها را به بوتی فراموشی میسپارد، خود و هیتون خود را پرمال میکند، جغد میشود و دور برانسه ها آشیلان میگزیند. از همین جاست که گردبادها بر عطر نواز شگسر گل ها چیره شده و باغستان آدمی را از رنگ و بو تهی میسازد که تا زاغ و زغن را پسندد آید و دیگر نوای بلبل و ناله ی هزار داستان بگوش جان ها جان نداند و از دل های رنگارنگ بسته عشق و محبت چنان فرار نماید که برادر در سوگ برادر لبخند بزند. تاریخ زمان دشوار کوشی کشور ما با چنین، چنین خوردگی های عجیب شکل یافته است. سخن بر سر وحشیگری های آدم های رننده خوست که انسانیت را رنگ حیوانی میبخشند و خاطر تحکیم پایه های لرزان استبداد چند روزی خود از آ. فاصله میگیرند.

جهان گل فمیری

ادشماره گذشته

استعماری دارد چه معنی غصه به کار می رود . به همین ترتیب عبارت ترکیبی خرسنگ است که به معنی سنگ بزرگ می باشد و هرگاه مثل محمد اسمعیل اکبر بخواهیم تعبیر کنیم ، خواهیم گفت که ببینید بخبر که حیوان بارببر وی آزار آرمی است ، نسبت سنگ داده شده و آن هانت رواداشته اند ، که این تعبیر توضیح را فقط از آن جناب اکبرها ؟ باید انتظار داشت که سخت جاهلانه و غیراگاهانه است . از آنکه بگذریم باز به اصل قضیه فلسفه وادعاها بچوچ از ناسیونالیسم رایج در چند سده اخیر تاریخ ، فرهنگ و زبان فارسی در کشور خود بر میگردد و می بینیم که چطور نسبت به زبان فارسی در رومردمان در زبان وپاسایر غیره زبانان پشتون چه احکافات ناسیونالیستی رواداشته است تا بدین گونه احکافات دام تزویری را پهن نموده ، بر تجاوزگرها ، ظلم ها استبدادها ، ستم گرها ، به زندان افکنی های ناجایز ، محاکمات غیر عادالانه و غیره اعمال زشت خود را توجیه نموده ، تحت شعار ملیت گرایی و وطن پرستی دروغین ، خود را خود یود یگران غیر خودی و بیگانه قلم داد کرده اند . چنانکه در عهد صدارت محمد هاشم خان و داود خان بابراد رشید نعم خان مشاهده کردیم .

و نویسندگان حق بین مبارز و آزادی خواه ما خوب تحلیل کرده اند . دانشمندی می نویسد : با اینکه در افغانستان از قدیم الایام زبان های متعدد وجود داشت اما سالیها زبان تاین هنگام مشکل را در میان سیاست مردم با یکدیگر در ارتباط شان با مقامات دولتی ایجاد نکرد بود ، زیرا زبان دردی سراسر دوره اسلامی زبان رسمی و زبان معاملات در کشور شمار میرفت و به این عنوان حلقه وصل و یگانگی را در بین عناصر مختلف مردم تشکیل میداد . احمد شامبایدالی شد رانی یاد رک این واقعیتها در دربار به عنوان زبان رسمی و معاملات دولتی حفظ کرد ، جانشینان او اعم از شاهان سد و زایی و امیران محمد زائی نیز از این روش پیروی کردند . ولی بعداً با تحریکاتی که روسیوزیر داخله دوره پادشاهی محمد نادر خان صورت گرفت ، نظر برتر خواهی قومی ولسا ئی گار را به جای کشاند کبسه عراضی که به زبان دردی نوشته می شد ترتیب اثر داده نمیشد .

خانواده های پیشین را حتی از خارج سرحدات افغانستان به تمداد زیاد بشمال هند و کشک کوچ داده ، با دادن زمین و دیگرا متیا زات اسکان می کردند ، و در ماموریت هم به پشتو زبانان ترجیح میدادند ، که با رویکار آمدن هتلر هر حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان ، محافل حاکیه آند وران ما بتلیخ نظریه برتری نژادی هتلر گردید و تبلیغات همانند براد افغانستان رویدست گرفتند . آنان نظریه تعمیم زبان پشتو و طرفدار زبانها را با آب و تاب هنری جلا و صقل دادند و عنوان سیاست جدید فرهنگی در محل تطبیق گذاشتند . برای تعمیم انداز و زبانیکه ازین بابت به گسترش علم و دانش وارد

تقداری ، شرافت ادبی و تحمیل محتمی

آن نگارش دهند . در نتیجه شاگردان از تاریخ واقعی کشور شان بی خبر ماندند و با آن مغزهای شان با یک رشته مطالب نا درست انباشته شد که چون بای می می آموختند در کمترین مدت به فراموشی سپردند . اما زبان از هم بزرگتر که تطبیق بر نامه پشتو ساختن ، بکشور عاید کردید ، پیدایش بدبینی می اعتمادی در بین اقوام مختلف بود که نتیجه حتی تبعیض و تفریق است . پیش از آن هم در بین عناصر جداگانه مردم افغانستان بدبینی های وجود داشت ، اما این امر بیشتر به اختلاف مذہبی منحصر بود . اما پس از آنکه در عصر امانی ، الفای بردگی و مساوات تمام مردم و اقوام اعلان شد و دولت آنرا عملاً تطبیق نمود ، این بدبینی ها روه کاهش رفت ، چنانچه در جنگ های داخلی متعاقب سقوط شاه امان الله خان ساله مذہبی نقش مهمی نداشت ، محمد نادر شاه ، با دادن امتیازات به قبایلی پشتون ، به یوز مردم سمت جومی و کار بردن ایشان در شورش های داخلی ، بدبینی خفیفی را که در بین اقوام از جمله در بین پشتون ها و تاجک ها موجود بود ، شدت بخشید . معذالک هنوز این بدبینی به مناسق آسیب زده محدود بود و عمومیت نداشت ، لیکن بر نامه تعمیم پشتو با امتیازاتیکه برای پشتو زبانان در معارف و ماموریت و اقتصاد در دنیا ل داشت مثل دادن زمین در مناطق غیر پشتو ، زبان به ناقلین پشتون و توزیع مותרهای بارکشی به ایشان و شرايط استثنائی و تمیز پروژها ی بزرگ آبیاری در مناطق سکونت ایشان ، کشید و گوی رابین ایشان و سایر اقوام که امتیازات محروم نگه داشته شدند ، گسترش داد و مانع بزرگی را در برابر در هم آمیزی فرهنگی و اقتصادی و در نهایت در برابر تشکیل یک ملت واحد از اقوام مختلف ایجاد کرد . در اینجا باید گفت که دادن امتیازات به قوم یا قبیله خانواده شاهي در افغانستان تا به کنه داشت و در جریان تاریخ خاصیت عهد دولتها را در این سر زمین و سایر جوامع دارای نظام قومی تشکیل میداد ، اما در گذشته این سیاستها زتاب شدید تولید نمیکرد . زیرا قشر روشنفکر کبریا سیاست اعتراض کند ، وجود نداشت . یا اینکه کوچک و ناتوان بود ، اما اکنون بسا پیدایش افکار جدید آزادی ، برابری و حقوق افراد ، مخالفت با تبعیض و امتیاز شکل جدی اختیار نمود .

مبارزه تند ، برادر داخل قشر روشنفکر ایجاد کرد که ، پایان یافتن آن جز به رفع عوامل تولید کند ما مکان پذیر نبود .

پس جناب محمد اسمعیل اکبر با این سرگذشت در دنا کیکه جنایتکاران تاریخ به سر فرهنگ و زبان خنماند ما آورد ماند ، باید بدانند و آگاه باشند که آنچه شاعران و نویسندگان ما می سرایند و می گویند ارتباط بعضی از اقوام افغانستان به

آن نگارش دهند . در نتیجه شاگردان از تاریخ واقعی کشور شان بی خبر ماندند و با آن مغزهای شان با یک رشته مطالب نا درست انباشته شد که چون بای می می آموختند در کمترین مدت به فراموشی سپردند . اما زبان از هم بزرگتر که تطبیق بر نامه پشتو ساختن ، بکشور عاید کردید ، پیدایش بدبینی می اعتمادی در بین اقوام مختلف بود که نتیجه حتی تبعیض و تفریق است . پیش از آن هم در بین عناصر جداگانه مردم افغانستان بدبینی های وجود داشت ، اما این امر بیشتر به اختلاف مذہبی منحصر بود . اما پس از آنکه در عصر امانی ، الفای بردگی و مساوات تمام مردم و اقوام اعلان شد و دولت آنرا عملاً تطبیق نمود ، این بدبینی ها روه کاهش رفت ، چنانچه در جنگ های داخلی متعاقب سقوط شاه امان الله خان ساله مذہبی نقش مهمی نداشت ، محمد نادر شاه ، با دادن امتیازات به قبایلی پشتون ، به یوز مردم سمت جومی و کار بردن ایشان در شورش های داخلی ، بدبینی خفیفی را که در بین اقوام از جمله در بین پشتون ها و تاجک ها موجود بود ، شدت بخشید . معذالک هنوز این بدبینی به مناسق آسیب زده محدود بود و عمومیت نداشت ، لیکن بر نامه تعمیم پشتو با امتیازاتیکه برای پشتو زبانان در معارف و ماموریت و اقتصاد در دنیا ل داشت مثل دادن زمین در مناطق غیر پشتو ، زبان به ناقلین پشتون و توزیع مותרهای بارکشی به ایشان و شرايط استثنائی و تمیز پروژها ی بزرگ آبیاری در مناطق سکونت ایشان ، کشید و گوی رابین ایشان و سایر اقوام که امتیازات محروم نگه داشته شدند ، گسترش داد و مانع بزرگی را در برابر در هم آمیزی فرهنگی و اقتصادی و در نهایت در برابر تشکیل یک ملت واحد از اقوام مختلف ایجاد کرد . در اینجا باید گفت که دادن امتیازات به قوم یا قبیله خانواده شاهي در افغانستان تا به کنه داشت و در جریان تاریخ خاصیت عهد دولتها را در این سر زمین و سایر جوامع دارای نظام قومی تشکیل میداد ، اما در گذشته این سیاستها زتاب شدید تولید نمیکرد . زیرا قشر روشنفکر کبریا سیاست اعتراض کند ، وجود نداشت . یا اینکه کوچک و ناتوان بود ، اما اکنون بسا پیدایش افکار جدید آزادی ، برابری و حقوق افراد ، مخالفت با تبعیض و امتیاز شکل جدی اختیار نمود .

مبارزه تند ، برادر داخل قشر روشنفکر ایجاد کرد که ، پایان یافتن آن جز به رفع عوامل تولید کند ما مکان پذیر نبود .

پس جناب محمد اسمعیل اکبر با این سرگذشت در دنا کیکه جنایتکاران تاریخ به سر فرهنگ و زبان خنماند ما آورد ماند ، باید بدانند و آگاه باشند که آنچه شاعران و نویسندگان ما می سرایند و می گویند ارتباط بعضی از اقوام افغانستان به

همان احساس انسانی ضد ظلم و ستمگری است که آنرا بگونه هنری و مدیعی با بهره گیری از کنایات استعارات و تشبیهات لفظی ، لغوی و معنوی بر جسته و متبارز ساخته و می سازند تا دیکرا از تکرار آن گونه اعمال ظالمانه جلوگیری کردد و به همین علت است که محب بارش در شعر ناب و پرمحتوا پیش از قیام هلیک علیه ظلم و ستم و ظالم و ستمگر ، چون قیام بایک خرم دین ، استاد سیس ، نیز یاد کرده است و باز خود را متعهد دانسته که از ابولقاسم فردوسی ، به عنوان پدر پیروی نموده و راهی را که پیسر دانای طوس ، طی کرده است ، طی کند و سپاس گزار باشد که آنچه آموخته است از فردوسی بوده است و شعر یادگار سخن را بدین ابیات به پایان برد ماست :

پدر ، از تو آموختم من سخن نه از چین و ما چین و شام و ختن ز تو ، ای کبوالقاسم نام بود فردوس در دست تو رام بود به فردوس باشی که بودی همیشه رهنم زنده و سبزه آیین و کیش (نمیری که تخم سخن کشته ای بهما یادگار دری ، هشتمای مانمتها شعر استاد محب بارش را عالی ارزیابی می کنیم و افتخارمندیم در شعر (یادگار سخن) را همچون بحری میدانیم که در کوزما یگچاند شد ماست برای سخن وران و نیک اندیشان وطن خود توصیه می کنیم تا شعر مذکور را بخوانند و با دقت هم بخوانند و مطالعه تشریحاتی که درین نوشته تقدیم گردید بر آگاهی خود ، بیافزایند و ما برای محمد اسمعیل اکبر با زهم یاد آور می شویم که اگر به کتاب صنف سوم دردی که در سال ۱۳۶۸ ش برای متعلمان از سوی وزارت تعلیم و تربیه ج ۱ ، به چاپ رسیده است و در آن این ابیات طبع شده ، آشناسی بود ، هرگز از نظام بدوی و خشن قبیلوی و خانخانی دفاع نمی کرد ، خواننده ، عزیز و جناب محمد اسمعیل اکبر دقت کنید : عنوان شعر (شهیدان) است .

خوشا زنده گان راه انسان خوشا راه شهیدان ، راه مردان که جان خود فدا کردند و رفتند رها کردند ما از ظلم خانان (بنگریه ، خوشا زنده گان راه انسان کابل ۱۳۶۸ ش ص ۱۱۲)

از اینجاست که ما متوجه می شویم که جناب محمد اسمعیل اکبر بقدمات نقد ادبی راه نمیدانند ، و با عبارات سخیف و غیر ادبی به طور شتاب زده استدلال ، استنباط و نتیجه گیری می کند .

نقد نویسی ادبی از خود آداب و روش ویزهای دارد که درک کامل شرایط زمانی و مکانی محیط شاعر و فهم واقعی از اصطلاحات ادبی و واژه های شعری رویداد های تاریخی که احیاناً شاعر در ابیاتی همان اشاره میکند از خصوصیات و مشخصات اولیایان بشمار می آید که نویسنده ، یاد شده متأسفانه از کوجه آن هر عبور نکرد ماست

او و امثال او موقی توانائی نقد مورسی آثار شاعران و اندیشمندان فرهنگ و زبان فارسی در برآید می کنند که دشمنان راهفت با ربا آب زلال موازین ادبی و دانشها عوا بسته به

غیر قانونی ...

موز دالیک زیراکس (فوتوکاپی) کرم او د (مسکو نیوز) پرسنلاسه هیله و کرم (تاسی به داوشی که موز دغه لیک خپور (چاپ) کرو ؟) (که بی کولایشی چاپی کرم) (که چاپی نشو کرای ، نو خنک به شی ؟) (زه به بی په لود یخ (غرب) کی چاپ کرم ، داد تولی نری له پاره پیره میده) دالیک ، دکر میاد تاتاروچی ورتما جا زومیا په کرمیا کی ژوند و کرمی او د ادرنا یجان - ارمینا دشخری ، په هکله و

د پورولودو منابعو خخه د خپر لود اجازی (خیستلو په موق) موز کراو لید ، د پیر وختی و نیو ، خو داکار و کرم ، سخاروف موافقه و کرم چی سدلاسه خودی نوموړی لیک لود یخ ته ونه سپاری ، په عین حال کی موز دخپل بنه ناما و شهرت په کرمی هم کیوتی وو ، که ددی لیک په چاپ کی ناکام شو ، موز به په عمل کی دهغو کسانوسره یوځای توطیه کوونکی یوچی سخاروف ته بی په خپل هیواد کی د نیت د بیان اجازه نه ورکوله .

د اونی پای رصحنی توله لود یخو را پوگانویه اورید لوتیره کرم خو که دالیک په کومه طریقه دلو د یخ لاس ته ورغلی و ، هغه واروم د دلیک په هکله لاپخوا کوونکوسه موجود وه ، د سخاروف سره لومړی و ا لنتین ، او بیا الکساندریا کولیف لیدنی کتنی کرمی و کرم سخاروف په خپل کتاب (کورکی) سکواو هر بل بخای) کی وای دوی ، دده د ذهنیت په رولوکی چی مقصد به بی داوچی قبیل کرمی چی د ابیاتیه خطر ناکا و نهایی ده ، ناکام شول . له هغی وروسته ، ما ، یولنده خو چا و دید وکی جمله د را پو لیرگی له خبری سرویس خخه واوریده ، (د (مسکو نیوز) راتلونکی گڼه به میخائیل گورباچوف ته د اندری - سخاروف یولیک خپور کرمی ، چی د ارمینا - ادرنا یجان دلانچی په هکله د نوموړی اکاد میسن نظریسی وړاندی کوی)

دی خبر موز نا امید کرم . . . توله د وشنه اود سه شنبسی خورابنا یسته برخه لوتیره ما مورین غلی اوچپ وو .

پرو فونه نزدی وچی چاپ بخای ته واستول شی ، له هغه وروسته مدیر راخه وغوینتل چی ورسره خبری و کرم ، چی د دفترته ی ورننوتیم

ص (۷)

ادب باور زمان فارسی در می شویند تاد رمورد شعرهای برن محب بارش که به زلال آب چشمه های روشن می ماند و دلپذیر و زیباست سخن در دهان بجا و روید ، عقیده ما همچنان بر این نکته استوار است که کسیکه به استادان لب و فرهنگ زبان فارسی دردی که لطفی روا میدارد بزرگ نمی تواند باشد چنانکه نیاکان ما فرموده اند :

بزرگش نخواهد اهل خرد که نام بزرگان بزشتی برد .

پیر خراسان .

متن مصاحبه دکتور سید محمد مومنین

از ص (۳)

درین امر بینه پشند باید از طرفی کپه روزی ملت دران مضر است جوی خون دران ویرانه بزرگ که افغانستان نام دارد خشک شود

سوال: آیا به نظر شما انتخابات سراسری باید در افغانستان صورت بگیرد، معتقد به سهم زمان در انتخابات هستید؟

جواب: بلی انتخابات سراسری در اولین فرصت ممکن باید در افغانستان صورت بگیرد. زمان نیز مثل مردان باید حق کاندید شدن و رای دادن هر دو را داشته باشند هیچ دلیلی وجود ندارد که جز این باشد.

سوال: ولی برخی می گویند که انتخابات سراسری خلاف شریعت است.

جواب: انتخابات سراسری به هیچ وجه در اسلام نهی نشده است در صدر اسلام نظر مردم کمال اهمیت را در انتخاب خلفا داشت. پس از فتح مکه بوسلیه سلمانان، زن و مرد مکه بوسلیه پیغمبر (ص) بیعت کردند. اگرچه پیغمبر (ص) مهبط وحی بود و از طرف خداوند انتخاب شده بود، اما بیعت فرد فرد مردم به آن حضرت (ص) در واقع رای دادن به پیغمبر است. همچنانکه میدانید زمان مکه نیز درین بیعت شرکت کردند و این خود آشکارترین دلیل جواز سهمگیری زنان در انتخابات است. در عصر خلفا راشدین (رضی الله عنهم) نیز رای نظر مردم در تعیین خلیفه اعتبار بلی راداشت. درست زمانی که خلافت به مطلقیت مطلق موروثی تبدیل شد دیگر کسی برای نظر مردم اعتبار قایل نشد در آینده افغانستان هیچ کس نمی تواند در این صلاحیت وارد که حق مشروع مردم را از آنان بگیرد. سهمگیری در انتخابات سراسری برای هر فرد تنها یک حق نیست یک وظیفه هم هست. اما طریقی که در پشاور از طرف کمیسیون بنام (کمیسیون انتخابات) تدوین شده، بدان حد غیر علمی و غیر مردمی است که اصلا به صحبت کردن نمی آرد. من به خواهش جناب پیرو سید احمد گیلانی عضویت این کمیسیون را پذیرفتیم اما بعد از اشتراک در یک جلسه دیگر نتوانستیم در آن عضویت داشته باشیم.

یادداشت

نسبت مشکل تخنکی در این شماره نامه های وارده به طبع نرسید. لذا خواننده گان گرامی نشریه ویژه علاقه مند ان صفحه (دیهن و خواننده گان) پوزش ما را بپذیرند.

سوال: آیا تشکیل حکومت موقت مجاهدین در پشاور بر جهاد کرم در داخل افغانستان تاثیر گذار است؟

جواب: تشکیل حکومت موقت در پشاور در بیشتر موارد تاثیر بر سنگرهای جهاد در داخل کشور نگذاشت مردمی که در ساختن این حکومت نقشی نداشته چه تاثیر، از آن می توانستند بپذیرند. اما اثرات منفی آن در مواردی چشم می خورد. مردم توقع نداشته که بعد از پیروزی بزرگی که ارتش سرخ را بزانود رآورد و کمونیزم را در جهان از پا افکند برای مردم افغانستان حکومتی چنین بنیاد و بنیان وجود، تاسیس گردد، آنهم در خارج از کشور. اما مهم ترین قضیه نظامی بعد از تشکیل حکومت موقت اگرچه حکومت موقت در آن نقشی چندان نداشته، فاجعه غم انگیز جلال آباد است که همانطور که می دانید به شهادت هزاران تن مجاهد و باغندگان جلال آباد انجامید و شهر زیبا تاریخی جلال آباد آنهمه صدمه دید. این اقدام ناسنجیده از جانب چپکسی یا کسانیکه صورت گرفت چراهیکن مسئولیت آن را برعهده نگرفت. مقامات مسئول جهاد در پشاور درباره فاجعه ای بعین بزرگی که در علاوه ضایعات خطیر آن تاثیر ناگوار روانی بر همه مجاهدین گذاشت چرا اظهار نظری به صراحت نکردند. هزاران تن جوان بیگناه هموطن ما که درین اقدام ناسنجیده جان شریفین خود را از دست دادند، گناه نبیند که با زور بوند. مسئول این تباهی و شکسته گی کی بود؟ در کجا، دنیا جان آدمی زاد اینهمه بی ارزش است؟

سوال: آیا حکومت موقت مجاهدین در کار خود ش تاکنون موفق بوده است؟

جواب: نخیر در هیچ حال موفق نبوده است. وضع این حکومت از بنیاد آن خراب است. چنین حکومت ناقصی اگر بوجود نمی آمد بهتر از وجود آمدن آن بود. از نظر اجرائی در هیچیک از امور افغانستان وجود آن اثری نگذاشت و سیطره و نفوذ آن از خانه ها و منازل کرائی پشاور بیرون نیامد. اما از نظر روانی وجود ناقص و ناتوان و انحصار طلبانه آن اگرچه تا مظلومی بر جهاد گذاشت. من متعاقب تشکیل این حکومت با تشریح نواقص آن به رد آن پرداختم و جناب پیرو سید محمد دی هم در اوایل تشکیل آن مشوره داد تا از ریاست چنین دولتی استعفا کنند.

سوال: آیا شورای مشورتی که در اوایل تشکیل می گردید می توانست حکومت بهتری از حکومت موجود تشکیل دهد؟

جواب: نخیر آقا، شورا، مشورتی را اولیندی خود ش ناقص بود، از ناقص هم جز ناقص نمیروید. این شوری در هیچ حال صلاحیت کامل نماینده گی از ملت افغانستان را نداشته.

کردانندگان اصلی آن می خواستند هر طور شده حکومتی بسازند. بعد هم در محاسبات خود اشتباه کردند و انتخاب اشخاص به سبب های مورد نظر طوری که آنان می خواستند صورت نگرفت.

سوال: فکر می کنید که اگر بجای حکومت موقت موجود حکومت تازه ای در پشاور برپا می شد فایده مای داشته باشد.

اولا حکومت تازه میزبانان یکران ساخته خواهد شد و نمایندگی از ملت مان خواهد کرد. ثانیاً حکومت که در پشاور ساخته شود بدرد همان پشاور می خورد برای مردم افغانستان سود، ندارد. این کارهای خام و سنجیده موضع مجاهدین را در برابر حکومت کابل ضعیف می سازد، چنانکه تاکنون نیز ساخته است.

سوال: اما قلمرو این گونه حکومت ها همان چار دیواری حویلی های پیشاور خواهد بود همین روزها صحبت از لغو حکومت موجود و تشکیل حکومت تازه است گویا گردانندگان مایل اند به ترقیبت کهنه مبره های مورد نظر خود را روی بیاورند. در داکه اراده، ملت ما چگونه تحقیر می شود!

حالا که دیگر قشون سرخ در افغانستان حضور ندارد، پس چرا حکومت موقت ریشا و رساخته شود؟ چرا بداخل کشور نمی رویم؟ مگر هشتاد در صد اراضی افغانستان بدست مجاهدین نیست؟ پس چرا حکومت موقت در داخل کشور ساخته نمی شود. با کسب نظر مردم با همکاری قوماندانان های جهاد، بانیت خدمت به جهاد و مردم، برای مردم افغانستان و دیگر کتار مردم افغانستان، این خند ماور نیست که مادر پشاور و وزارت معدن، وزراعت و مخابرات داشته باشیم؟ وزارت معدن افغانستان قیم پشاور کد ام معدن را استخراج خواهد کرد؟ در کجا؟ وزارت مخابرات افغانستان قیم پشاور به سیستم تلفون تلگراف کجا خدمت خواهد کرد؟

سوال: می اندیشید پس از آن که به اثر شهادت بی نظیر ملت افغانستان به بهای خون بیش از یک میلیون تن شهید قشون سرخ از افغانستان رانده شد دیگر وجود ماد رخان از کشور قابل توجیه نیست. ما اگر به حل نظامی معتقد هستیم و بیا به حل سیاسی اگر چنگ می کشیم و بیاصلح در هر دو حال جای آن داخل افغانستان است. ی نسرزمین های دیگر، درینا که بسیار از یاران چنان با هجرت خود کرده اند که یادشان رفته است که هجرت وسیله بود نه هدف. البته آنچه از ازل

و بنازل و جاه و اقبال در د یارد یگران نصیب شان شده است هرگز نه درگذشته برایشان میسر بود و نه در آینده میسر است. اما به وضع پریشان وقت اور میلیون ها تن آواره، افغان که فریادشان در فقر و بی پناهی خفه شده است چه کسی نظر خواهد کرد؟

سوال: در دوزخ و نکبت و فشار جسمی و روحی این کتله عظیم از هموطنان را بدل سنگ را آب می کند. این آوارگان تا کی باید در حراقت بیوطنی بسوزند؟ تا کی باید بی اطمینان

بما روز فردای خود و خانواد خود بار بر شفت زمین در غربت را بکشند؟ آیا وقت آن فرا نرسیده است که همه به میهن خویش برگردیم و در مبارزه ای، برای برانداختن حکومت دست نشان ده کابل و ساختن حکومتی کارا ده ملتسلما، ما را تشکیل کنند در داخل کشور خود دست بکار شویم؟ این حاصل دریافت من از تجربه پیش از یک دهه من در جمعیتها، مختلف جهادی و شناخت نیاساز خواسته ملت در مند ماست.

سوال: شما تغییرات در اتحاد شوروی را چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: جامعه ای که از سال ۱۹۱۷ زیر یوغ دیکتاتوری مارکسیسم لنینیسم بسر برد ماست و وجود فکری ناشی از استبداد و فشار نظام منفور کمونیستی بیش از شش دهه درین جامعه مانع رشد و ارتقا گردیده است. ما بیست و نوزده تجربه ها را یکسره و به حیات طبیعی بازگردیم. آنچه در اتحاد شوروی می گذرد بقدمه این بازگشت است.

سوال: مردم مایل اند بدانند رهبری، نهضت ملی اسلامی افغانستان بر عهده کیست؟

جواب: رهبری نهضت در آید ما از جانب کنگره نهضت در داخل کشور تعیین خواهد شد. بنده زمانی که از طرف شورای عالی نهضت به صفت منشی عمومی انتخاب شدم این موضوع را بدوستان تصریح کردم که من تا زمانی که این صفت کار نخواهم کرد که کنگره نهضت در داخل کشور بر گزار شود و سر مستلم رهبری، تصمیم بگیرد که این موضوع مورد تأیید شورای عالی قرار گرفت.

سوال: در دوزخ و نکبت و فشار جسمی و روحی این کتله عظیم از هموطنان را بدل سنگ را آب می کند. این آوارگان تا کی باید در حراقت بیوطنی بسوزند؟ تا کی باید بی اطمینان

کید لای شی چند هفته پر محاسباتی مونی بریکه و کپه ؟)) د الیکسین تول نوموری ته ولوست بیامی همد الیک د یاد شوی پاراگراف پرت، ورته قراشت کپه، د عکس العمل په وخت یلینا وویل: ((که د اندری خخه وویستل شی، فکر کوم، سړی پر هغی موافقه کولای شی))

زه د ستر دفتر ته ستون شوم او هغه تمی د ۷ په علامه اشاره وکړه. خرنګه چی مد پر تراوسه په تلفونی مکالمه بوخت و، کله به ویل او کله برعکس، رنگ ی بل ډول شوی و. دلته سودا ای شوم، په دې گمان چی زموږ خخه د نور وخت فیاتو غوښتنه کویزې مد پر نابهر وویل ((خخه به وشي که سخاروف د دې حذف کولو سره موافق نموی؟ موز تول متن نه شو خپرو لای، مگر لود یخ د اکا رکولای شی؟ ښه ده، ده موافقه کړی.))

سپاته، د لود یخ ډولور او پیاوړتوب، د ارمنیا، ازبایجان د شخړې پیاوړتوب، د سخاروف د نظر پیمان وکړ. د الومړی محل و چی ترغری خبریالاتو خوا، موز د دغه پوه نظری ترلاسه کړی. دا، زموږ د ((آزاد و)) مطبوعاتو د کانکرتی د یوال لایول در زول وو. لاد سانور چی پانوله خواد سخاروف وروستی قصابی شوی اثر و.

وروسته ((سکونیز)) یوه مقاله چاپ کړی چی د سنی، آی، ای، د شوروی اتحاد سوسیالیستی جمهوریتو نو په وړاندې تر عنوان لاندې کتاب کی، د سخاروف په هکله بیان شوی د یو یو یو کول، سره له دې (سکو نیوز) د نوموړی انتخاباتی مانعیت پرته له یومورد حذف کولو خخه خپور کړ او د فبروری په ۱۹ مه، په کال ۱۹۸۹ کی، ((سکونیز)) د سخاروف نهیت چی یوازی د علومو په اکا د می کی دکاند یو په توګه مبارزه وکړی چاپ کړی.

داخو سخاروف و چی موزی د سانور له ستر صیت خخه خلاص کړ و. د سخاروف په شان د فرمان نهضتکی قلمی همکار خخه پرت به ((سکو نیوز)) هغه خخه نه وای چی نن دې د خپلواکی په لور به زموږ لار خورا اوږده وای.

نن ورځ ځینی خلک، سخاروف ته د سنج، د یو پیاوړی په خپور کړی. ده (سخاروف) فقط هغه شیان بیانول چی له یو کړاو وروسته پری پوه شوی، او د اوږدې مود نی پملرکی

په د هغو صحت ثابت بریو له موزی نوموړی ته غوږ شوی وای. حقیقت ته رسیده لو په لور به موز لار خورا لنډه او بی ستونزې وای. خو موز د ده آثار سانور کول، ده ته موز غوږونه نیولو، او یا موز د ده د نواوړید لوله پاره پلمه وکړه. خدای خیر چی که دې موز وځینی خوموزنه شوکولای ځان وځینی

په زده د ده نوم تکرار ختلاندوی!

د گنهادی ژوارو نکوف لیکنه سبانون ژبیا و

غیر قانونی

از ص (۶)

که ترم چی دې د لور پرتبه مبول سوجه دې تلفونی خبری کوی، د خبر دلری ترمنځ، د مکت په وخت موز د واپاره اشاری خخه افادی په قصد کارواخیست چی یوه په بشپړه توګه نه پوهیدلو، ما یوازی ولید لای شوا چی یو پاراگراف کلام، د منلو و نه و، تر همد اوسنی کړی پوری هم نه پوهیږم چی ولسی د نوموړی لیک هغه ټاکلی برخیا یو حذف شوی و، دې برخی یوازی قریباغ د شخړی د سابقی سرمتاس د لود او پرتبه هغه هم نه و.

د مدیر دفتر له وتلو خخه وروسته، ما سخاروف ته تلفون وکړ. یلینا، پرتبه د تلفون غوږ پورته کړه. نوموړی وویل چی سخاروف د طومو اکا د می ته لار او معلومید لای نهی چی هلته به په کوم محاسباتی

چلنج دموکراسی

از شما، گذشته

چیزی که مخصوصا مورد علاقه و توجه ماست دموکراسی است. نخستین امری که در دموکراسی حقیقت غریب است که هر دو جانب ادعا می نمایند کمد موثر اند و هر دو تودید میدارند که اجتماعاتیکم در طرف دیگر واقع اند. موب کراتیک باشند. میتوان از این حقیقت عجیب را استنباط نمود که چون هر دو جانب ادعا میکنند که دموکراسی اند پس هر کس باید موافق کند که دموکراسی یک چیز فوق العاده مهم و مطلوب است. در غیر این نباید هر دو جانب ادعای آنرا برای خود و انکار آنرا برای طرف مقابل بدانند. برای اجتماعات کثرت لای و لای بدی می شمارند و هم واضح است که هر جانب دموکراسی را کاملا مغایر همدیگر تعریف مینمایند زیرا که نظامهای اقتصادی و سیاسی هر طرف خصوصیات و تمایزات کامل متفاوت دارد. این نظاما هر دو با تعریف واحد از دموکراسی بد موکراتیک شده نمیتوانند.

طریق نزدیک شدن این تقاریر (لکچر) موضوع این خواهد بود که بدعای موافق و مخالف مالیت غریبی و کمونیستی را درین مناظره جهانی مورد امتحان تحقیق قرار بدهد. و اکنون باز گو می نمایم که من یک مرد عملی اهل سیاست هستم. استاد نظریه و تیوری امور سیاسی لهذا اگر شما انتظار دارید که به طور مثال یک مطالعه عالمانه در تاریخ دموکراسی در دنیا بدو کرات قدیم، در دولت ها، شهری، رتوان قدیم، یا نظریات روسو در باره اراده عمومی ازین تقاریر بدست آورید باید واضح نمایم که ما یوس خواهیم شد و چنین چیزی ازین نوشتهها بدست نخواهد آورد. علاقه من درین نوشته ها درین نیمه قرن بیستم این است که وقتی که از دموکراسی بحث می کنیم بدانیم مقصود چه می باشد.

ما حتما باید از دموکراسی بد معنوم و مقصد بدست داشته باشیم در حالیکه متوالیا میگویم که این مملکت دموکراسی است و در فلان کشور دیگر دموکراسی نیست. مگر ما در غروب از یکطرف کمونیست ها از جانب دیگر عنوان دموکراسی را بران خود ادعا می نمایند. چه مقصد داریم وقتی که با این کلمه مثل توپ فتبال بازی می کنیم؟ شما گفته می توانم که مقصد من از اینکه مملکتی را دموکراتیک میگویم چیست. مقصد اینست که در یک مملکت دموکراتیک افراد با نفع و رش

بحث را ممکن نیست بدتر از این انجام داد. تاکنون بخش اعظم این مناظره به بد گویی جانبدارانه انجام یافته و سعی برخی از کسب و ما به آن طرف میزول گردیده که مردم را در قسمت خویش مانع درک مواضع قابل ملاحظه می نمایند. من تحت تاثیر تمصب غریبی خود قرار گرفته باشم، ولی به طور کلی میتوانم بگویم که جانب کمونیستی بیشتر از جانب غریبی درین خصوص قابل تمجیح و نکوهش میباشد. کوشش منظم در جلو گیری از اظهار صور ادعای غریبی به مردم جهان کمونیسم از طرف حکومتات آن ها به عمل می آید؛ مثلاً: مفسوش ساختن امواج رادیو های غریبی بمنظر من یک اشتباه اساسیست. در همین حال دلیل ضعف غیر قابل انکار هم تلقی میشود. از طرف دیگر برخی از موارد افکار غریب هم تقریبا به همان پیمان زشت است، مثل اینکه نمیخواهند رادیو های کمونیستی را بشنوند یا کتاب کمونیستی را مطالعه کنند. در این صورت مثلا در برابر اظهارات یک دیگر کور کور بوده و جز افکار خود به چیز دیگری تن در نمیدهند.

به نظر من امریکاییها و اروپاییها غریبی مخصوصا چنین مینمایند و جالب توجه است، که این حقیقت تنها در باره طبقه متوسط یا بورژوازی امریکایی

و اروپایی صادق است، بلکه بسیاری افراد کارگر امریکایی و اروپایی غریبی نیز چنین اند.

این نقطه نظر اخیر چیز نیست که مبلغین کمونیسم باید به شفقت خود به دقت به حساب بگیرند. اگر آنها در باره مفاهیم ضمنی این وضع تفکر و دقت نمایند در خواهند یافت که یک چیز غیر منتظر در جهان در شرف وقوع است. بهر صورت این کوری و کوری متقابل و عدم درک حقایق ظاهرا قسمت اعظم این مناظره جهانی را میان تکی و کسل کنند. جلوه میدهد.

مناظره کنندگان هیچگاه با دلایل و استدلال یکدیگر قویا دست نمی یابند. معذالک این مناظره جهانی دوام خواهد کرد (مگر اینکه ما خود را به هوا منفجر کنیم و چنین خواهیم کرد) و باید دوام نماید. یقینا چنین مناظره گرچه به سطح نازل استدلال باشد، خیلی بهتر از به هوا پریدن و منفجر شدن خواهد بود.

همه میگویم دموکرات هستیم؟

رعا یا سعی می ورزیم. این کلمه را تکرار کنم که سعی میورزیم. بر خود حکومت نمایند، عوض آنکه تحت حکمرانی قرار بگیرند بواسطه قدرتی که بالای آن نظارت و کنترل ندارند. نخستین چیزیکه درباره این تعریف میخواهم بگویم اینست برای مردم خیلی دشوار است که بر خود حکومت نمایند و در حقیقت میخواهم بگویم که اجتماعات بزرگ و پیچیده و جدید مثل اجتماعات امروزه ما فقط بصورت غیر مستقیم است که امکان حکومت کردن بر خود را به مردم بدست میدهد و مردم فقط با نیوسیه امکان حکومت بر خود می یابند که میتوانند طرز حکومتی را که میخواهند انتخاب کنند. وحشی این طرز انتخاب غیر مستقیم حکومت

بر خود هم به انتظام دقیق و نظری ضرورت دارد و تمیل این درجه حکومت غیر مستقیم بر خود که تا کنون به حصول آن موفقیت دست داده اند. ماده مهم و بزرگ شمرده میشود. لهذا من معتقد شده ام که تا بنس و حفظ و انکشاف دموکراسی با این معنی و مرام خیلی بیشتر از بحث بر اینکه چه نظام اقتصادی برای اجتماع به ترین است قیمت و اهمیت دارد. لذا عده ترین بحث بر حیات عامه دنیای امروز همین موضوع میباشد. و نصب حکومت پشکر و اراده مردم.

حکومت بد ریعه نماینده مگان ملت است آنچه را که من بحیث دموکراسی تعریف کردم همان چیزی است که حکومت بد ریعه نماینده گان و وکلای ملت خوانده میشود. شما ممکن است بزودی مخالفت بپورزید و بگویید که حکومت بد ریعه نماینده گان ملت فقط یک جنبه حیات دموکراسی را تشکیل میدهد. با این اعتراض شما کامل موافقم. معذالک میگویم که حکومت بد ریعه نماینده گان مردم بطور کلی از ارکان وستون فقرات دموکراسی شمرده میشود. همه ارکان دیگر دموکراسی هر چند به ذات خود مهم میباشد دست اخیر به این رکن رکن منحصرا مباحثه مثل آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی تشکیل، حکمرانی قانون و غیره.

اجازه بد دهید غور کنیم و در عقب این عبارات مجرد برویم. مقصد من از حکومت بد ریعه نماینده گان و وکیل این است که افراد رفیق قادر باشند از این حکومت ها که خود را عرضه میدارند در ضمنی دمی آزاد حتی را که میسندند انتخاب و برقر نمایند همچنین افراد رفیق باید آزاد باشند.

ادامه دارد

جشن نوروز و پیشینه آن در فرهنگ ما

از ص (۴)

سازند تا زنگه کدورت ها از ائینه - قلب شان پاک گردد. یکی از مشهورترین مراسم نوروز آراستن هفت (س) است. و آن گرد آوردن هفت میوه است که تماما بر حروف (س) آغاز گردد. مانند: (سبب) سیاه دانه، (سبزه) سبزه، (سیر) سرکه، (سبزی) کاه که چرا قدما به این هفت چیز قناعت کرده اند بران علت است که عدد هفت قدسیت خاص دارد و مناسبت آن به هفت آباء، کتایه از هفت آسمان است هفت خاوطن، کتایه از هفت ستاره است. هفت الوان، کتایه از هفت طعم است که از آسمان به حضرت عسی (ع) نازل شده است. بدین ملحوظ عدد هفت را قدس شمرده و هفت (س) را انتخاب کرده اند.

البته بعد از ظهور دین اسلام نوروز با سنت های اسلامی گره خورده است. گسستی میخورد. مردمان با نیت پاک از بی مراد به امکان هدسه و زیارتها میروند علم ها

و جنده های مبارک را با شور و هیله می افزایند و گزیده شایسته از آن تجلیل به عمل می آورند و با دل های لبریز از شادی حلول سال نو را به هم تبریکی میکنند. و آسمان سینه هاشانرا از خورشید محبت نوروزان ساخته و ابر کینه هارا از آن می زدایند.

و از سوی دیگر نوروزها دنی است به شروع خلافت رسی حضرت علی کرم الله وجهه که این امر بر عظمت و جلال و شکوه نوروز افزود ماست. نوروز از آن شد پر شمع هم صاحب عز و شرف کانونز سلالار نجف آمد به تخت سروری و از این بابت است که به راه ران اهل تشیع این روز را نیکو شمرده و آنرا عید میگویند.

تجلیل از عظمه نوروز جز فرهنگ ما به شمار میرود. این رسم میمون تا آنگاهی که نامی از تاریخ و جهان

حیات بر چهره گل نسیم نوروز خوش است در صحن چمن روی دلفروز خوش است از دیکه گذشت هر چه گوی خوش نیست خوش باش وز دیکه مگو که امروز خوش است

منو چهری آمدت نوروزی آمد جشن نوروزی فراز تا مگارا کار گیتی تا و ما ز سر گهر با ز حوروز روز کار نشاط است و ایمنی و شیده ابر دست به دیهای ارضی

به فر کبانی یکی تخت ساخت چه سایه بد و گوهر اندر شناخت که چون خواستی دیو بر داشتی و هامون به گردون بر افراشتی چو خورشید تابان میان هوا نشسته برو شاه فر مانسروا جهان انجمن شد بر تخت او ی از ان بر شده فبره بخت او ی به جشید بر گوهر افشا ندند مران روز را روز نو خوانند

ائین پادشاهان ساسانی در پنج روز اول فروردین (نوروز عامه) چنین بوده که: شاه در روز اول نوروز اقتدا میکرد و عا به را از جلوس خویش

برای ایشان و احسان بدایشان می آگاهانید. در روز دوم کسانی که از عامه رفیع تر بودند یعنی برای دهگانان و اهل تشکله ها جلوس میکرد. در روز سوم از برای مردمان بزرگ، در روز چهارم برای افراد خاندان و نزدیکان و خاصان روز

پنجم برای ندیمان و خویشان، و به هر یک از ایشان در خور رتبه ها کرام و انعام می نمود. و چون روز ششم فرا میرسید از آرا و حقوق مردم فارغ می شد و از آن پس نوروز از آن خود او بود. و دیگر کس جز ندیمان و شایستگان خلوت، دیگر کس نمیتوانست نزدش رود.

در دیار های نخستین خلفای اسلام به نوروز اعتنای نبود. در نتیجه ظهور ابو سلیم خراسانی و روی کار آمدن خلفای عباسی نفوذ بر مکین و تشکیل سلسله های ظاهر-یان و صفاریان، جشن های ایران و دیار رومی یافت و شاعران شعر های سروده اند که بطور نمونه چند بیت آنرا می آوریم:

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است در صحن چمن روی دلفروز خوش است از دیکه گذشت هر چه گوی خوش نیست خوش باش وز دیکه مگو که امروز خوش است

منو چهری آمدت نوروزی آمد جشن نوروزی فراز تا مگارا کار گیتی تا و ما ز سر گهر با ز حوروز روز کار نشاط است و ایمنی و شیده ابر دست به دیهای ارضی

تحت نظر هیئت تحریر میونسول، شجاع خراسانی نشانی: کابل، کمیته مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان بهلری وزارت خارجه تلفون: ۲۰۴۲۵ چاپ آفست مطبعه دولتی

و چه اشتراك سال ۱۳۷۰ سالانه (۲۰۰) انانسی در ولایه (۲۴۰) انانسی برای دانشجوین و دانش آموزان صدقیه در خارج کشور (۲۰) دلایا معادل آن حساب بانکی (۱۰۲۰۰)

سازمان مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان با سر راه و کارچون در گذشته گان رسانند. با زبان بنده اوسیات و با نچ و فرهنگ بنیدی ریز روز و امروز و انکس بنده بانگ پنداشت آزادی و دموکراسی وطن شکرک میبیزد. اگر میخواهید از عده های در گذشته با نچ و کارچون ریز و انکس بنده اگر میخواهید صدای با نچ و صدای بیاد مردم بنده در گشتان بنده باشد. بهر شکرک بناید. از آنجا بناید و در گشتان بنده بکاره و از لال منیرت خویش برایش بناید.

